

ناظم آقا عاشق پاک باخته

در باب مقتل تبخر خاصی داشتند و اسرار عجیبی در مصائب ائمه اطهار (ع) بخصوص رخدادهای روز عاشورا را با خود به خاک بردند.



در باب مقتل تبخر خاصی داشتند و اسرار عجیبی در مصائب ائمه اطهار (ع) بخصوص رخدادهای روز عاشورا را با خود به خاک بردند.

به گزارش نصر، در قسمت چهارم معرفی مادحین مرحوم آذربایجان به سید محمد ناظم سرخابی می‌رسیم، کسی که صحبت کردن در مورد سید محمد ناظم سرخاب (ناظم آقا) آن عاشق پاک باخته ی آستان حضرت دوست کاریست بس دشوار و سخت. او که لحظه های پر بار عمر خویش را به خواندن و شنیدن روضه های سوزناک ارباب بی کفن حضرت حسین بن علی(ع) سپری نمود. هم او که جان شوریده اش از ذکر مصیبت مولایش به غارت می رفت و شوری دیگر بر وجودش مستولی می گشت. مرحوم سید محمد آقا ناظم سرخابی در سال ۱۲۸۲ هجری شمسی پا به دنیای فانی گذاشت.

نامش سید محمد بود ولی همگان او را ناظم آقا خطاب می کردند، وی یک پسر و سه دختر داشتند که فرزند ایشان سید جواد در زمان حیات خویش فوت می کنند و یک دخترش نیز بعد از وی فوت می کنند که الان دو دختر ایشان در قید حیات هستند. قامت خمیده اش حکایت از دلی پر طوفان و سر پر خاطره در ذهن ها مجسم می کرد، حرفهای زیادی در دل ناگفته اش باقی بگذاشت و با خود برد، چشم های نافذ البصیره اش قصه ها و غصه های بسیاری از هیاهوی عالم قدس و الست در خاطر داشت و هر از گاهی محرمی می یافت تا قطره ای از این دریای بی کران مصائب اهل بیت(ع) را بر گوش جان آن ها بازگو نماید. بنا به گفته خیل کثیری از بزرگان مرحوم ناظم آقا سینه زنی نشسته (دوشمه) را در تبریز رواج داده و پس از اینکه سالها در کربلا معلما به سینه زنی پرداخته بود این سبک سینه زنی را اولین بار ایشان از کربلا به تبریز می آورند.

و این نوع سینه زنی را نوعی سماء عاشقانه می دانستند، ایشان دلبستگی عجیبی به گفتن و شنیدن مرثیه های جانگداز داشت و خود صاحب طبعی لطیف و ظریف و ذوقی سرشار در سرودن شعر به دو زبان ترکی و عربی داشت، که اشعار ایشان در کتب و بسیاری از اشعار شان بصورت مسوده در اختیار بزرگان قرار دارد.

ایشان از اشتهار و شهرت طلبی در میان مردم دوری می گزید تا آنجا که برخی هیأت های با سابقه نیز او را نمی شناختند به گونه ای که ناظم آقا ساعت ها در مجلس عزایی به صورت گمنام وارد می شد و آن عزاخانه را بدون اینکه کسی او را بشناسد ترک می کرد.

منزل ساده و بی آرایش و بی ریایش با درب چوبی قهوه ای رنگ در درب گجیل تبریز قرار داشت که پس از فوت ایشان مشتریان زیادی برای خرید منزل ایشان مراجعت نموده و پیشنهاد های کلانی نیز می دهند ولیکن خانواده وی قبول نمی کنند و آخر الامر با قیمت ناچیزی در اختیار دوستداران اهل بیت عصمت و طهارت(ع) قرار داده می شود که هم اینک منزلگاه و مأمن و حسینیه ی هیأت شاهزاده حضرت علی اصغر(ع) تبریز بوده که با تلاش شبانه روزی آقای حاج محمد رزمی که خداوند فرزندش را رحمت کند و مساعدت مالی عاشقان اباعبدالله الحسین (علیه السلام) منزلگاه عاشقان می باشد.

سید محمد ناظم آقا در باب مقتل تبخر خاصی داشتند و اسرار عجیبی در مصائب ائمه اطهار(ع) بخصوص رخدادهای روز عاشورا را با خود به خاک بردند. در آستانه ی ۹۰ سالگی و با وجود کهولت سن و خمیده گی قامت در مجالس عزا چنان بر سینه اش می کوفت که بسیاری از جوانان توانایی همراهی او را نداشتند.

عاقبت مرحوم سید محمد ناظم سرخابی در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی و در سن ۱۱۴ سالگی رخت از این دنیای فانی بر بسته و پس از تشییع جنازه ا ی با شکوه در حالیکه بازار گجیل به احترام ایشان تعطیل و دسته جات عزاداری در آن مراسم شرکت نموده بودند پس از اقامه ی نماز در قطعه ی ۲۸ آرامستان وادی رحمت تبریز و در ذیل عنایات اربابش حضرت حسین بن علی(ع) برای همیشه آرام گرفتند.

محمد رضا اخگرگداز